



نصف
فناها لیس
و علیو هابنک
نعلیو الفراض

کتابی که نیمی از علم فقه است ۸

ارث و مسألة حَبَوَه بر تال جامع علوم انسانی

یکی از عناوینی که در ارث اسلامی، جایگاه مخصوصی دارد مسألة حَبَوَه است، حَبَوَه در واژه عربی بمعنای عطاء و بخشش است و اصل این مسألة بر این اساس است که شارع اسلام از نظر احترامی که برای سرپرست خانواده قائل شده، برای احترام و بقای آثار و حفظ مرکزیت خانواده مقرر کرده است که مختصات سرپرست

خانواده - البته آن مختصاتی که معمولاً همیشه در پیش چشم اعضاء خانواده و آشنایان، وجود داشته و جلوه گر بوده است و آن سر پرست را با آن مختصات می شناختند - در میان ورثه متفرق و تقسیم نشود بلکه همه آنها بطور کلی به پسر بزرگتر میت داده شود.

و آن مختصات عبارت است از قرآن و انگشتر و شمشیر و لباس میت - چه لباسی که پوشیده و یا برای پوشیدن گرفته و دوخته است ولی هنوز آنرا پوشیده است -

و از آنجا که این اشیاء از میان سایر ورثه، بلاعوض به پسر بزرگتر داده می شود و بر او لازم نیست در برابر این امتیاز چیزی به ورثه دیگر بدهد، به آنها حَبْوَه یعنی بخشش اطلاق شده است.

اصولاً پسر بزرگتر در فقه اسلامی جایگاه خاصی دارد و لذا بر او لازم است، قضای نمازهائی را که از پدرش فوت شده است^۱ بجا بیاورد و باید توجه داشت که میان حبوه که مورد بحث فعلی ما است با وجوب قضای نمازهای پدر که هر دو با پسر بزرگتر ارتباط دارد، ملازمه ای نیست یعنی: اینطور نیست که حبوه در برابر قضاء نماز باشد - که اگر پدر نماز قضاء در ذمه نداشته و یا داشته باشد ولی پسر قصد انجام آن را نداشته باشد، حبوه ای در بین نباشد - بلکه این دو تا هر یک مسأله جدا گانه ای می باشند و با هم از نظر نوع فقهای ما ارتباط ندارند.

و نیز باید توجه داشت که این مسأله یعنی: اختصاص پسر بزرگتر به اشیائی که ذکر گردید از متفردات فرقه امامیه است و فقهاء سایر فرق اسلامی به آن قائل نیستند و تنها فقهای ما که در استنباط احکام، از مکتب اهل بیت عصمت سلام الله علیهم الهام گرفته و احادیث خاندان نبوت را نیز اساس استنباط قرار می دهند در طی کتب فقهی خود - چه قدهاء و چه متأخرین - آن را ذکر کرده اند.

سید مرتضی علم الهدی (ره) در کتاب انتصار می گوید:

از جمله مسائلی که تنها امامیه به آن قائل هستند این است که پسر بزرگتر میت در میان وراثت دیگر این امتیاز را دارد که قرآن و شمشیر و انگشتر میت به او داده می شود و فقهای فرقه های دیگر اسلامی، همه با ما در این

.....

۱ - بعضی از فقهاء قضای روزه او را نیز مانند نماز لازم می دانند.

مسأله مخالف می‌باشند و این حکم را قبول ندارند.^۲
شیخ طوسی (رضوان الله علیه) نیز در کتاب خلاف خود که مسائل مورد اختلاف
میان شیعه و اهل تسنن را مورد بحث قرار داده و با ذکر دلائلی به اثبات نظریات امامیه
پرداخته است، در مسأله ۱۲۹ از کتاب ارث می‌گوید:

لباس و شمشیر و قرآن میت^۳ به فرزند بزرگتر وی باید داده شود و ورثه دیگر
از آنها ممنوع می‌باشند و همه فقهای غیر امامیه با این موضوع مخالفند و از
نظر آنها فرقی میان ورثه نیست و این چند چیز نیز مانند دیگر اموال میت
باید میان همه ورثه تقسیم شود.

سپس می‌گوید: دلیل ما بر این مطلب اجماع فقهای ما و احادیثی است که
از اهل بیت علیهم السلام نقل گردیده است.

فقهای امامیه چنانکه گفتیم دارای این مزیت می‌باشند که در استنباط احکام
الهی علاوه بر کتاب خداوند و سنت حضرت پیغمبر (ص) به احادیثی نیز که از
اهل بیت پیغمبر (ع) در دست دارند، استناد می‌کنند و مسأله حیه نیز از جمله مسائلی
است که فقط در احادیث اهل بیت آمده است، لذا باین مسأله قائل گردیده و به آن
متفرد شده‌اند.

تعداد احادیثی که در این رابطه وجود دارد طبق نقل محدث عالی مقام شیخ حر
عاملی در کتاب وسائل الشیعه^۴ و نقل محدث بزرگوار حاج میرزا حسین نوری در کتاب
مستدرک الوسائل^۵ مجموعاً ۱۰ حدیث است که ۳ تا از آنها صحیح و چهارتا از آنها
مؤثق است و دلالت آنها بر اختصاص پسر بزرگتر^۶ به قرآن و شمشیر و انگشتر و لباس

.....
۲- کتاب انصار ص ۲۹۹.

۳- در اشیا که حیوة را تشکیل می‌دهند اختلاف است و لذا می‌بینیم که سید مرتضی قرآن و انگشتر و
شمشیر و شیخ طوسی قرآن، لباس و شمشیر را ذکر کرده است و فقهای دیگر تماماً قرآن و انگشتر و شمشیر و لباس را
ذکر کرده‌اند.

۴- وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۴۳۹.

۵- مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۱۵۹.

۶- در این حکم، میزان، پسر است که در حال مرگ میت، بزرگتر از فرزندان دیگر او باشد و اگر یک
پسر بیشتر نداشته باشد نیز همین حکم درباره او جاری است.

پدر، بسیار روشن است.^۷

منتها در این مورد باین چند نکته نیز باید توجه کنیم:

□ ۱- اگر پسر بزرگ، بیش از یکی باشد، مثلاً از وزن او یا بیشتر در یک زمان، دو پسر یا بیشتر بدنیا آمده باشند، باید قرآن و لباس و انگشتر و شمشیر پدر را، میان خودشان قسمت کنند.

□ ۲- یکی از شرائط استحقاق پسر بزرگتر، آن است که از آن میت غیر از حیوه، اموال دیگری نیز بعنوان ارث برای وراثت دیگر باقی مانده باشد و گرنه در صورتی که مال میت منحصر به همان قرآن و شمشیر و انگشتر و لباس باشد در این صورت اختصاص آنها به پسر بزرگتر - همانطور که صاحب جواهر نیز تصریح کرده است^۸ - اجحاف به ورثه دیگر و اضرار به آنها است و لازم است که حیوه میان همه ورثه تقسیم شود یعنی: در این مورد مسأله حیوه متفی می شود.

□ ۳- در صورتی که میت مقروض باشد، اگر مقدار قرضش باندازه همه اموال او یا زیادت از اموال او باشد، در این صورت نیز مسأله حیوه متفی است و لازم است آنها را در راه ادای دین میت به مصرف برسانند، زیرا حیوه اختصاص و امتیازی است برای پسر بزرگتر در مقام ارث بردن، ولی مقام ادای دین در اسلام بر مسأله تورات مقدم است. و همچنین اگر میت مقروض نیست ولی برای تجهیز او یعنی کفن و دفن و سایر مراسم لازم او، مالی جز انگشتر و شمشیر و قرآن و لباس او نمانده است در این صورت نیز لازم است آنها را در تجهیز او صرف نمایند و چنانچه پس از مخارج تجهیز چیزی از این اشیاء باقی بماند، میان همه وراثت تقسیم می شود.

ولی اگر اموال او بیش از مقدار دین باشد، پس از ادای دین در مقام تقسیم ارث، قرآن و انگشتر و لباس و شمشیر به پسر بزرگتر داده می شود.^۹

□ ۴- چنانچه میت وصیت کرده باشد که قرآن و شمشیر و انگشتر و لباس وی را به شخص دیگری غیر از پسر بزرگتر بدهند و یا در راه مخصوصی خرج کنند، اگر قیمت آنها

۷- در بعضی از این احادیث، کتابها و ترکب و زره و غیر آن نیز ذکر شده است، ولی عدم اعتماد فقهاء به این قسمت از محتوای آنها موجب گردیده است که آنها در این قسمت از محتوای خود، از درجه اعتبار بیفتند.

۸- جواهر الکلام ج ۳۹ ص ۱۳۴.

۹- هر چند جمعی از فقهاء در این مورد نیز بر پسر بزرگ لازم می دانند که به نسبت دین میت به همه اموال وی که حیوه هم از آن جمله است، در ادای دین شرکت نمایند.

باندازه ثلث یا کمتر از ثلث مال میت باشد آنها در همان راهی که وصیت کرده است مصرف می‌شوند و برای پسر بزرگتر در این صورت حبه ای نیست. و اگر قیمت آنها از ثلث بیشتر باشد - چون شخص فقط می‌تواند باندازه ثلث مال خود وصیت کند و وصیت او در بیش از ثلث مال، احتیاج به اجازه ورثه دارد - در آن اندازه ای که از ثلث بیشتر است با موافقت پسر بزرگتر، صحیح و نافذ خواهد بود. و اگر مقداری از اموال خود را - مثلاً ده هزار تومان - وصیت کرده باشد که به «زید» بدهند و آن مقدار از ثلث کمتر باشد لازم است همه اموال میت حتی قرآن و شمشیر و لباس و انگشتر او را در نظر گرفته و حساب کنند که چه مقدار از آن، با ملاحظه نسبت در برابر حبه قرار می‌گیرد که آن مقدار را باید پسر بزرگتر بپردازد تا حبه از آن او باشد.

ولی اگر عینی از اعیان مال خود مثلاً یک درخت معین از درخت هایش و یا یک فرش معین از فرشهای خود را مورد وصیت قرار داده و گفته است که آنرا به «زید» بدهند، در این صورت تراحمی میان وصیت او و حبه وجود ندارد و پس از مرگ و عمل به وصیت، حبه مال پسر بزرگتر خواهد بود.

